

جهان زیرشمول معرفتی پل ورث در شعر «دلیم برای باغچه می سوزد» اثر فروغ فرخزاد

فرخ لطیف نژاد رودسری

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

هدف از پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته، بررسی نوع باورها و جهان معرفت‌شناختی فروغ فرخزاد در شعر «دلیم برای باغچه می‌سوزد» بر اساس نظریه شناختی جهان متن پل ورث است که متن را در سه بعد جهان متن، جهان گفتمان و جهان زیرشمول بررسی می‌کند. جهان متن فضای تعاملی نویسنده و خواننده در هنگام مواجهه با متن و جهان گفتمان شامل بافت موقعیتی گفتمان و جهان زیرشمول مشتمل بر باورها و دیدگاه‌های نویسنده یا شخصیت‌های مورد بحث اوست. پژوهش تحقیق کنونی در پی پاسخ به این سؤالات است که فرخزاد در شعر یادشده از چه نوع متنی استفاده کرده و به کدامیک از جهان‌های سه‌گانه زیرشمول توجه بیشتری نشان داده و چگونه از آنها برای ایجاد پیوستگی استفاده کرده است. نتیجه اینکه نوع متن در اکثر بندها توصیفی-روایی است. جهان زیرشمول معرفتی بازتاب گسترده‌ای در شعر فروغ دارد، زیرا او علاوه بر روش‌های معمول از دو روش ابتکاری یعنی نگاشت استعاری و تکرار برای نمایش جهان معرفتی استفاده می‌کند که موجب رمزگشایی استعاره شناختی اصلی متن می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ورث، فرخزاد، جهان متن، جهان گفتمان، جهان‌های زیرشمول، افزایش

۱-مقدمه

برای خوانش هر متن علاوه بر متن و بافت به مطالعه ذهنیت تولیدکننده و دریافت‌کننده نیاز داریم، زیرا متن محل برخورد بافت و قوای شناختی نویسنده و خواننده است. «به عقیده ورث متن رویدادی پویا محسوب می‌شود که نویسنده و خواننده در آن فعالانه به مذاکره مشغولند؛ مذاکره‌ای که ماهیت و نتیجه گفتمان درحال گسترش را نشان می‌دهد. از دید ورث، گفتمان تلاش آگاهانه مشترکی از سوی سازنده و دریافت‌کننده متن در جهت ساخت جهانی است که گزاره‌ها در آن بسط و انسجام می‌یابند تا ساخت معنایی را تشکیل دهند. در این پژوهش از نظریه جهان متن پل ورث برای تحلیل شعر «دلیم برای باغچه می‌سوزد» استفاده شده است. هدف نظریه جهان متن تهیه چهارچوبی جهت مطالعه گفتمان است که علاوه بر متن، سایر عوامل مؤثر بر تولید و پذیرش متن؛ یعنی بافت پیرامون و عوامل موقعیتی، اجتماعی، تاریخی و روانی را در نظرگیرد، بنابراین نظریه یادشده متن را از سه دیدگاه جهان متن، جهان گفتمان و جهان زیرشمول بررسی می‌کند. «این نظریه برای کسانی ارزشمند است که قصد دارند راه‌هایی را کشف کنند که در آن مطالعات گفتمان و زبان‌شناسی شناختی در یک نظریه واحد متن و گفتمان با هم تلاقی می‌کنند» (هیدالگو، ۲۰۰۰: ۳۲۵). با توجه به مقدمات فوق سؤالات مطرح‌شده در باره پژوهش بدین قرار است:

۱- در جهان متن شعر «دلیم برای باغچه می‌سوزد» بیشتر از چه نوع متنی استفاده شده است؟

۲- شاعر به کدامیک از جهان‌های زیرشمول توجه بیشتری نشان داده است؟

۳- فرایند افزایش چه تأثیری بر دریافت متن دارد؟

پاسخ‌های احتمالی در سه فرضیه زیر بیان شده است:

۱- در شعر مذکور با متنی توصیفی-روایی مواجهیم.

۲- در این شعر به جهان زیرشمول معرفتی توجه خاصی شده است.

۳- فرایند افزایش از طریق پیوستگی متنی مفهوم استعاره باغچه را مشخص می‌کند.

۲-پیشینه

برای درک چگونگی ساخت، تولید و پردازش متن‌ها و گفتمان‌ها به وسیله مخاطبان در موقعیت‌های گفتمانی، لازم است عوامل بافتی و شناختی به روشی نظام‌مند ادغام شود. ورث که زبان‌شناسی گفتمان-نقشی-شناختی است، در نظریه متن خود مفاهیم اساسی زبان‌شناسی متن و زبان‌شناسی شناختی را تلفیق می‌کند و فرایندی را به کمال می‌رساند که نظیر آن در آثار برجسته قبلی مانند مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی متن بوگراند و درسلر (۱۹۸۱) و آثار ون دایک و کینچ (۱۹۸۳) و دیگران وجود دارد (هیدالگو، ۲۰۰۰: ۳۲۱). ورث اشاره می‌کند که «شباهت‌هایی بین

مدل او و سایر نظریات شناختی از قبیل نظریات لیکاف، لانگاکر و فوکونیه وجود دارد، اما هیچ یک از مدل‌های مذکور اساساً به جنبه‌های مهم زبان یعنی ساختار دانش و بافت گفتمان نمی‌پردازند» (ورث، ۱۹۹۹: ۴۶). کتاب ورث با عنوان *ارائه فضاهای مفهومی در گفتمان ضمن بیان و بازبینی نظریات پیشین*، به ارائه الگویی کامل‌تر و عملی‌تر برای تحلیل متن می‌پردازد؛ به طوری که مفاهیم و اصطلاحات و جهان‌های پراکنده معرفی شده قبلی را تحت یک نظام منسجم به عناصر جهان‌ساز و جهان‌های سه‌گانه متن، گفتمان و زیرشمول تقسیم می‌کند. او از استعاره‌های شناختی لیکاف^۱ (۱۹۸۷) در ساخت جهان فرضی زیرشمول معرفتی استفاده می‌کند، نظریه ابدال عبارات اشاری بوهرلر^۲ (۱۹۸۲) را در جهان زیرشمول عبارات اشاری به کار می‌برد، اما بیشترین بهره‌برداری را از جهان‌های گفتمان و فضاهای ذهنی فوکونیه و ترنر^۳ (۱۹۹۴ به بعد) در عناصر جهان‌ساز و جهان‌های سه‌گانه می‌کند. «جوآنا گاوینز (۲۰۰۷) در کتاب *مقدمه‌ای بر نظریه جهان‌متن*، ضمن مرور نظریات جهان‌متن پیشین به تکمیل آنها و ارائه اصطلاح‌شناسی منسجم برای نظریه جهان‌متن پرداخت» (کوهن، ۲۰۱۱: ۱).

نظریه ورث در ایران در ترجمه کتاب‌های *شعرشناسی شناختی* پیترا استاک‌ول (۱۳۹۳) و *استعاره و مجاز با رویکردی شناختی* آنتونیو بارسلونا (۱۳۹۰) مختصراً معرفی شده است. همچنین لیلا صادقی (۱۳۸۹: ۷۴-۱۴۳) در مقاله خود آن را در تحلیل جهان‌های سه‌گانه مجموعه داستان *یوزپلنگانی که با من دویده‌اند*، به کار گرفته است. پس از او ارسلان گلغام و دیگران (۱۳۹۳: ۲۰۶-۱۸۳) عناصر سازنده متن روایی داستان *سازده احتجاب* را بر مبنای نظریه مذکور بررسی کرده‌اند. در مقاله حاضر علاوه بر تحلیل جهان‌های سه‌گانه به ریشه‌یابی عقاید ورث در نظریات پیشین پرداخته شده و دو فرایند «افزایش» و «انطباق» که در مقالات گذشته مطرح نشده بود، شرح داده شده است، آنگاه با تأکید بر جهان‌نگرشی و معرفتی فرخزاد به بازنمود ذهنی باور او پرداخته، سپس از فرایند افزایش برای نشان‌دادن پیوستگی شعر «دل‌م برای باغچه می‌سوزد» استفاده شده است.

۳- مبانی نظری

از دید ورث ما از طریق گفتمان و یک مفهوم محوری که همان فضای شناختی یا مفهومی است، صحبت می‌کنیم و می‌نویسیم. ورث بر این باور است که ما برای فهم و تدوین پاره‌گفتارهای پیچیده، ساختارهای ذهنی یا جهان‌های متن را می‌سازیم (پولارد، ۲۰۰۲: ۹۶). مفهوم جهان متن ابتدا توسط النا سمینو در ۱۹۹۷ و سپس به وسیله ورث در ۱۹۹۹ با عنوان فضای مفهومی مطرح شد؛ «فضایی که تولیدکننده و دریافت‌کننده در هنگام تعامل با متن می‌سازند، تعاملی که ممکن است نوشتاری یا گفتاری باشد» (ورث، ۱۹۹۹: ۱۷). بحث اصلی ورث این است که همه معناسناسی و کاربردشناسی در درون یک فضای شناختی انباشته‌شده عمل می‌کند که اصطلاحاً فضای ذهنی گفته می‌شود. علاوه بر آن از پیش فرض‌های زبانی در بافت موقعیتی استفاده می‌کند. مهم‌تر اینکه او فرض می‌کند یک حوزه مفهومی وجود دارد که مشترکاً به وسیله تولیدکننده و دریافت‌کنندگان شکل می‌گیرد (هیدالگو، ۲۰۰۰: ۳۲۲).

«نظریه ورث، یکی از رویکردهای خوانش است که در آن جهان به منزله ابزاری برای درک چگونگی اثر ادبی به کار می‌رود. جهان، رویدادی زبانی با حداقل دو شرکت‌کننده است. یک جهان، بازنمایی متنی جهان واقعی است که به صورت ترکیب متن و بافت دیده می‌شود (استاک‌ول، ۱۳۹۳: ۲۴۲)». «جهان متن به عنوان سناریوی مفهومی است که حالتی از مسئله را ارائه می‌دهد، درحالی که جهان گفتمان بافت موقعیتی است که رویداد کلامی را احاطه می‌کند» (ورث، ۱۹۹۹: ۸۳). ورث مدلی زبانی ارائه می‌دهد که بر تجربیات انسانی و مفهوم‌سازی بنا شده است؛ به این معنا که او مفاهیم قاب، کهن‌الگو و فضاهای ذهنی را به عنوان مبنای تعریف متن و گفتمان برمی‌گزیند و سه جهان به شرح زیر برای متن قائل می‌شود (هیدالگو، ۲۰۰۰: ۳۲۲).

۱- ۳- جهان متن

جهان متن سازوکار شناختی است که ابزار درک به حساب می‌آید و شامل عناصر جهان‌ساز^۴ و گزاره‌های نقش‌گستر^۵ است. عناصر زمان، مکان، شخصیت و اشیای موجود در متن که عناصر جهان‌ساز نامیده می‌شوند، باعث شکل‌گیری پس‌زمینه متن می‌شوند و به زمان و مکان و جهت می‌دهند و شخصیت‌ها و دیگر اشیای جهان متن را می‌سازند. گزاره‌های نقش‌گستر روایت یا حرکت درون جهان متن را پیش می‌برند و حالات، کنش‌ها، رخدادها و فرایندها و قضایای مرتبط با شخصیت‌ها و جهان متن را می‌سازند (استاک‌ول، ۱۳۹۳: ۲۴۳). جهان‌سازها در تقابل با گزاره‌های

^۱ Lakoff

^۲ Bohler

^۳ Fauconnier and Turner

^۴ world-building elements

^۵ Function-advancing propositions



نقش گستر جهان متن عمل می کنند. این نقش، سرشت نوع ادبی متن را تعیین می کند؛ به این معنا که متن مانند روایتی است که با گسترش طرح اولیه داستان توصیف می شود، وصفی که با توصیف نقش گسترها و غیره مشخص می شود (هیدالگو، ۲۰۰۰: ۳۲۳).

الگوهای مختلفی را برای گزاره های نقش گستر می توان تصور کرد که عبارتند از:

نوع متن	نوع اسناد	کارکرد	کارگفت
روایی	کنش، رویداد	پیرنگ گستر	گزارش، برشمردن

توصیفی:

صحنه	حالت	صحنه گستر	توصیف صحنه
شخص	حالت، صفت	شخص گستر	توصیف شخصیت
روال عادی	عاداتی	روال گستر	توصیف عادت
گفتمانی	ربطی	گزاره گستر	فرض، نتیجه
ابزاری	امری	هدف گستر	درخواست، فرمان

گزاره های نقش گستر یا جملات وصفی، رابطه ای و توصیفی هستند، یا بیان کننده کنش ها و رخدادها هستند. مثلاً جمله آنها احساس کردند به خواب کمتری نیاز دارند، وصفی است و جمله پرندگان برمی گشتند، کنش یا رخداد است (استاکول، ۱۳۹۳: ۲۴۴).

۲-۳- جهان گفتمان

شامل ارتباط ارتباط چهره به چهره مخاطبان در مکالمه یا ارتباط بین نویسنده و خواننده است. رخداد زبانی که همان جهان گفتمان است، موقعیتی آنی است که از متن، محیط پیرامون و مشارکان گفتمان تشکیل می شود نظریه جهان متن فقط به اطلاعات مرتبط با گفتمان یا همان زمینه مشترک می پردازد. وقتی اطلاعات جدید وارد گفتمان شود، زمینه مشترک تغییر می کند و عناصر بافت در خلال پردازش به زمینه مشترک افزوده می شوند (همان: ۳-۲۴۲).

جهان متن و جهان گفتمان هر دو ساختارهای ذهنی هستند که بازآمدهای مفهومی برخی جنبه های واقعیت را شکل می دهند. الگوی ذهنی قاب در فرایند مفهوم سازی نقش مهمی دارد، چون می تواند دانشی را که از طریق مفهوم سازی از تجربیات ما برگرفته شده است، جمع آوری و سازماندهی کند و موقعیت های تکرار شونده هم نوعی را که در حافظه ذخیره می شود، به صورت قاب ارتقا دهد (ورث، ۱۹۹۹: ۱۱۰).

۳-۳- جهان های زیرشمول

وقتی نویسنده از جهان متن اصلی به زمان های جلوتر و عقب تر گریز بزند، جهان زیرشمول ساخته می شود، باورها و دیدگاه های شخصیت ها در جهان زیرشمول ایجاد می شوند (استاکول، ۱۳۹۳: ۲۴۷). به طور کلی سه نوع جهان زیرشمول در نظریه جهان متن وجود دارد: جهان اشاری، نگرشی و معرفتی.

۱-۳-۳- جهان زیرشمول عبارات اشاری: شامل بازگشت به عقب، حرکت به جلو و هر نوع حرکتی که در موقعیت فعلی زمانی و مکانی رخ دهد. مثلاً در جمله دیروز وقتی آنجا بودیم، گفت: فردا به اینجا برمی گردم. جمله مشخص شده که یک نقل قول مستقیم است که در آن ضمیر سوم شخص به اول شخص تغییر یافته است، بنابراین یک جهان زیرشمول تلقی می شود که یکی از آنها (استاکول، ۱۳۹۳: ۲۴۸).

۲-۳-۳- جهان زیرشمول نگرشی: بر اساس آرزوها، اهداف و باورهای مشارکان را شکل می گیرد و جهان آرزو، جهان باور و جهان هدف را می سازد. جهان آرزو با گزاره هایی مانند آرزو کردن، امیدوار بودن، خواب دیدن، خواستن و غیره رمزگذاری می شود. جمله آدم دلش نمی خواست به تخت برود. مخاطب داستان را از جهان متن بیرون می برد و وارد جهانی می کند که بیانگر نگرش شخصیت ها نسبت به یک کنش، زیرا نویسنده از کلمه آدم استفاده کرده و این حس را به کل انسان ها تعمیم داده است. جهان باور که باور شخصیت ها را نشان می دهد، با گزاره هایی مثل باور کردن، دانستن و فکر کردن معرفی می شود. جهان هدف به قصد مشارکان می پردازد. گزاره هایی همچون وعده دادن، تهدید کردن، دستور دادن، سفارش دادن و درخواست کردن بر جهان هدف دلالت می کنند (همان: ۹-۲۴۸).

^۱ Text world

۳-۳-۳- جهان زیرشمول معرفتی^۷: ابزاری هستند که نظریه جهان متن با آنها می‌تواند بعد امکان و احتمال را بازنمایی کند. جهان‌های فرضی به وسیله مشارکان و شخصیت‌ها و با به‌کارگیری گزاره‌هایی مانند باید، شاید، خواهد و همچنین ساخت‌های شرطی مثل «اگر... پس» معرفی می‌شود. راوی در جهان زیرشمول معرفتی، جهانی فرضی و خیالی را مابین جهان متنی که ارائه می‌دهد، معرفی می‌کند (همان: ۲۴۹).

هر سه جهان زیرشمول معرفتی، اشاری و نگرشی می‌تواند شامل تغییر در زمان، مکان، شخصیت و اشیا باشد (همان). ورث برای ترسیم جهان متن از سه جنبه اصلی وجهیت یعنی دیدگاه، احتمال و تعامل استفاده می‌کند. او وجهیت را «تعیین وضعیت اطلاعات با در نظر گرفتن بافت حاضر» تعریف می‌کند (ورث، ۱۹۹۹: ۱۵۷). دیدگاه به عبارات اشاری (شاخص‌ها) می‌پردازد، عبارات اشاری ویژگی اصلی جهان متن است که به عنوان فضای اشاری تعریف می‌شود و دیدگاه‌های گوینده فرضی را مطرح می‌کند. احتمال به حقیقت و درجات آن می‌پردازد و بسیار نزدیک به تصاویر ذهنی‌ای است که ورث تحت عنوان جهان‌های زیرشمول متن تعریف می‌کند (هیدالگو، ۲۰۰۰: ۳۲۴). تعامل نیز به روابط بین مشارکان می‌پردازد (ورث، ۱۹۹۹: ۱۵۷). در نتیجه به سازمان‌دهی و مدیریت فضای اجتماعی و جنبه‌هایی از قبیل وجهه و کنش گفتار مربوط می‌شود. این تمایز بین سه نظام اصلی وجهیت، دلیل تمایز بین جهان متن و جهان گفتمان است (هیدالگو، ۲۰۰۰: ۳۲۴).

ورث علاوه بر جهان‌های سه‌گانه، عناصر جهان‌ساز و نقش‌گسترها، دو فرایند «افزایش» و «انطباق» را که برای معرفی و پردازش اطلاعات لازمند شرح می‌دهد. افزایش به این موضوع می‌پردازد که چگونه گزاره‌ها درون یک زمینه مشترک گفتمان با هم ادغام می‌شوند و چگونه برای رسیدن به پیوستگی متنی^۸ پشت سر هم قرار می‌گیرند (همان: ۴-۳۲۳). قسمت مهمی از این فرایند ناچاراً با تشکیل یک زنجیره پیش‌مرجع در دنیای متن انجام می‌شود که جدیدترین اطلاعات را در اختیار ما قرار می‌دهد و شامل عبارات اشاری مکانی، زمانی و شخصی است. انطباق الزاماً با معرفی اطلاعات جدید به روشی پیش‌زمینه‌ای ایجاد و به وسیله عناصر سازنده‌ای انجام می‌شود که با اجزای تشکیل‌دهنده گزاره‌ها از قبیل جملات درونه‌ای (لانه‌گیری شده) و گروه‌های اسمی تداعی می‌شوند (نک ورث، ۱۹۹۹: ۲۶۷). در نتیجه انطباق روشی غیرمعمول برای معرفی پیش‌زمینه پیام است که معمولاً با اظهار کردن نشان داده می‌شود، در حالی که پیش‌زمینه گزاره معمولاً اطلاعات کهنه را حمل می‌کند. ورث (۱۹۹۹: ۲۸۱) پدیده انطباق را چنین تعریف می‌کند: «جایی که یک صورت دستوری وابسته شامل اطلاعات جدید به هم پیوسته است، اما اطلاعات در مرحله بعد آن را افزایش می‌دهد.»

تمایز بین بیان متعارف و انطباق یا بیان غیرمتعارف منجر به صورت‌بندی مجدد پدیده پیش‌فرض می‌شود که در آن برداشت سنتی از پیش‌فرض تغییر یافته و اکنون به‌عنوان پدیده‌ای گفتمانی در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی پدیده‌هایی که در گذشته پیش‌فرض‌های معناشناختی نامیده می‌شدند، در حال حاضر به‌عنوان قسمتی از پیش‌زمینه گزاره‌ها پشت سر هم قرار می‌گیرند و به منزله اطلاعات گفتمان شناخته می‌شوند (همان: ۲۵۳).

۴- تحلیل جهان‌های سه‌گانه در شعر «دلم برای باغچه می‌سوزد»

۴-۱- جهان گفتمان

تمام مجموعه شعرهای «اسیر»، «دیوار»، «عصیان»، «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» در ارتباط با هم جهان گفتمانی فروغ را که مبتنی بر عشق، تنهایی، ترس و مرگ است، معرفی می‌کنند؛ جهانی که بر اساس احساسات، تجربه‌ها و باورهای فروغ شکل می‌گیرد. شخصیت‌ها و روایات خطبه‌ها جهان کلان متن را به وجود می‌آورند و اجزای به‌ظاهر پراکنده جهان گفتمانی را شکل می‌دهند، فروغ هم راوی است و هم شخصیت اصلی برخی روایات موجود در شعرها. گویی هر شعر بخشی از زندگی اوست که متناسب با موقعیت و رویدادی شخصی یا اجتماعی، به قصد ایجاد تغییر و تحولاتی در خود و جامعه سروده می‌شود.

۴-۲- عناصر جهان متن

چنانکه گفته شد، عناصر سازنده جهان متن، زمان، مکان، شخصیت‌ها و اشیا هستند. در شعر مورد نظر سه زمان شب، روز و زمانی که قلب خود را گم می‌کند، مطرح شده است. مکان‌ها حیاط، باغچه، حوض، پنجره، کوچه، بازار، میکده، انبار، بیمارستان، دوزخ و قبرستان هستند. شخصیت‌ها پدر، مادر، برادر و خواهر فروغ و همسر و بچه‌های خواهرش، همسایه‌ها و بچه‌های کوچک و خود فروغ هستند. اشیا شامل اعضای بدن مانند دست، صورت و اشیای طبیعی زمینی مثل خاک، گل، گیاه، علف، مرغ، ماهی و اجرام آسمانی مانند آفتاب، ستاره، ابر و اجزای خانه مانند در و دیوار و لوازم شخصی مثل شاهنامه، ناسخ‌التواریخ، کیف، سجاده، شناسنامه، تقویم، دستمال، فندک، خودکار، ادکلن و ابزارهای جنگی مانند خمپاره، مسلسل، باروت و بمب هستند که در درون گزاره‌های نقش‌گستر متن‌های توصیفی-گفتمانی و روایی می‌سازند.

گزاره‌های نقش‌گستر در جهان‌های متن و زیرشمول

^۷ Epistemic sub-worlds

^۸ Text coherence



شعر «دلیم برای باغچه می‌سوزد» از نظر موضوعی به نه بخش تقسیم و جهان متن و جهان‌های زیرشمول به تفکیک در جداول نه‌گانه مشخص و سپس ذیل آن توضیح داده می‌شود:

۱- باغچه	جهان متن	جهان اشاری	جهان نگرشی	جهان معرفتی
کسی به فکر گل‌ها نیست کسی به فکر ماهی‌ها نیست کسی نمی‌خواهد باور کند که باغچه دارد می‌میرد که قلب باغچه در زیر آفتاب <u>ورم کرده است</u> که ذهن باغچه دارد آرام‌آرام از خاطرات سبز تهی می‌شود و حس باغچه انگار چیزی مجردست که در انزوای باغچه پوسیده است	توصیفی (گفتمانی)	جهان اشاری زمانی: افعال مشخص شده: عقب‌گرد زمانی	جهان نگرشی	جهان معرفتی نمی‌خواهد- تکرار واژه باغچه

این شعر با متنی توصیفی- گفتمانی آغاز می‌شود که به‌ظاهر حیاط خانه شاعر را توصیف می‌کند، اما در ورای آن گفتمان دیگری در حال شکل‌گیری است که از ماجرای درون خانه حکایت دارد. در جهان باور فرخزاد باغچه در حال مردن است، چون قلبش ورم کرده و ذهنش در حال خالی شدن از خاطرات سبز است و حس باغچه در تنهایی و انزوا پوسیده است، کاربرد فعل ماضی نقلی خواننده را از زمان حال (مضارع اخباری) وارد جهان زیرشمول عبارات اشاری گذشته می‌کند. شکل ماضی نقلی افعال «ورم کردن» و «پوسیدن»، نشان می‌دهد که نابودی تدریجی باغچه که از مدت‌ها پیش آغاز شده، به‌تازگی آشکار شده است. افعال «به فکر نیست» و «نمی‌خواهد باور کند» نشان می‌دهد که فرخزاد در جهان نگرشی باور خود از بی‌فکری و بی‌باوری دیگران نسبت به گل‌های باغچه و ماهی‌های حیاط شکایت دارد. فعل «نمی‌خواهد» نشانگر جهان معرفتی شاعر است که فکر می‌کند دیگران زوال باغچه را می‌بینند، اما نمی‌خواهند این حقیقت تلخ را باور کنند. تکرار واژه «باغچه» در این بخش و تکرار واژه‌ها و گروه‌های اسمی و جملات در بخش‌های دیگر شعر فرخزاد روش تازه‌ای برای نمایش جهان زیرشمول معرفتی است که در نظریه ورث مطرح نشده است. وقتی شاعر پنج بار واژه باغچه را تکرار می‌کند، می‌خواهد علاقه خود را نسبت به باغچه بیان و نگرانی خود را از نابودی آن ابراز کند.

۲- حیاط	جهان متن	جهان اشاری	جهان نگرشی	جهان معرفتی
حیاط خانه ما تنه‌است حیاط خانه ما در انتظار بارش یک ابر ناشناس خمیازه می‌کشد و حوض خانه ما خالی است ستاره‌های کوچک بی‌تجربه از ارتفاع درختان به خاک می‌افتند و از میان پنجره‌های پریده‌رنگ خانه ماهی‌ها شب‌ها صدای سرفه می‌آید حیاط خانه ما تنه‌است	نوع متن: توصیفی- روایی	جهان اشاری مکانی: حرکت از زمین به آسمان و بالعکس	جهان نگرشی	جهان معرفتی جهان زیرشمول فرضی معرفتی استعاره با سه استعاره حیاط، ابر، ستاره‌ها -تکرار خانه ما

در بند دوم با حرکت از حیاط و حوض به سوی ابر و ستاره نوعی سیر صعودی ایجاد می‌شود که جهان عبارات اشاری مکانی جدیدی را تشکیل می‌دهد. شاعر با مکان‌ها و اشیای موجود در حیاط نوعی جهان زیرشمول فرضی معرفتی می‌سازد که با استعارات «حیاط انسان است، موهبت



غیبی، بارش ابر ناشناس است، امیدهای واهی ستاره‌ها هستند.» ساخته می‌شود. بدین ترتیب خواننده به این نتیجه می‌رسد که حیاط چون انسان تنبلی خمیازه می‌کشد و در انتظار موهبتی غیبی به سر می‌برد که مانند ابر بهاری باریدن گیرد و حوض خالی آرزوهای او را پر کند، اما امید و آرزوی واهی او مانند ستاره‌ای که سقوط می‌کند، نقش بر آب می‌شود. سپس نوعی حرکت مکانی از حیاط به محیط داخل ایجاد می‌شود و مجدداً جهان اشاری مکانی را تغییر می‌دهد. تغییری عمدی که توصیف حیاط را به توصیف صاحبخانه یعنی پدر پیوند می‌دهد و خواننده احتمال می‌دهد صدای سرفه‌ای را که در حیاط می‌شنود، مربوط به پدر باشد. گزاره «حیاط خانه ما تنهاست» دو بار تکرار می‌شود تا شدت تنهایی حیاط را با قطعیت مورد نظر شاعر نشان دهد و جهان معرفتی او را رقم زند.

جهان معرفتی	جهان نگرشی	جهان اشاری	جهان متن	۳- پدر
از صبح تا غروب : قید مکان دال بر طول زمان		تغییر ضمیر- نقل قول تغییر ضمیر- نقل قول	روایی	پدر می‌گوید: «از من گذشته است از من گذشته است من بار خود را بردم و کار خود را کردم» و در اتاقش، از صبح تا غروب، یا شاهنامه می‌خواند یا ناسخ‌التواریخ پدر به مادر می‌گوید: «لعنت به هر چه ماهی و مرغ وقتی که من بمیرم دیگر چه فرق می‌کند که باغچه باشد یا باغچه نباشد برای من حقوق تقاعد کافی است.»

در بخش سوم شعر متنی روایی ارائه می‌شود که بیشتر افعال در آن کنشی هستند، مانند بردن، کردن، خواندن، گفتن. در روایت پدر، دو نقل قول مستقیم وجود دارد که در آنها ضمیر سوم شخص به اول شخص تبدیل می‌شود و خواننده را وارد جهان‌های زیرشمول عبارات اشاری جدیدی می‌کند که مبین جهان باور پدر نیز هست. پدر در نقل قول اول فکر می‌کند کار خود را کرده و بار خود را بسته است. نقل قول دوم که با یک نفرین آغاز می‌شود، تنفر او را نسبت به کار و تلاش آشکارتر می‌کند و با جمله شرطی و نتیجه شرط بیان می‌شود: اگر بمیرم، دیگر حیات و مرگ باغچه برایم فرقی نمی‌کند، پس همان حقوق بازنشستگی برایم کافی است. ابهام موجود در واژه «تقاعد» مبین دو حالت بازنشستگی و بازماندن از تلاش است که به خوبی رخوت و رکود جسمی و روحی پدر را نشان می‌دهد. تکرار جمله «از من گذشته است»، مبین جهان معرفتی پدر است و و با گروه قیدی «از صبح تا غروب» مؤکد می‌گردد.

جهان معرفتی	جهان نگرشی	جهان اشاری	نوع متن	۴- مادر
قید مختص همیشه تکرار واژه مادر تکرار فعل فوت	جهان باور:	جهان اشاری مکانی از دنیا (سجاده) به دوزخ	توصیفی- روایی	مادر تمام زندگی‌اش سجاده‌ایست گسترده در آستان وحشت دوزخ مادر همیشه در ته هر چیزی دنبال جای پای معصیتی می‌گردد و فکر می‌کند که باغچه را کفر یک گیاه آلوده کرده است.

می کند تکرار واژه «تمام» در چهار گروه اسمی	فکر کردن			مادر تمام روز دعا می خواند مادر گناهکار طبیعی است و فوت می کند به تمام گلها و فوت می کند به تمام ماهی ها و فوت می کند به خودش مادر در انتظار ظهور است و بخششی که نازل خواهد شد
---	----------	--	--	--

در جهان باور مادر همه پدیده‌ها گناهکار و آلوده به کفرند، فعل «فکر کردن» و عبارات پس از آن مبین جهان نگرشی باور مادرند. در جهان باور فرزاد عبادت مادر، به خاطر ترس از دوزخ است. تکرار واژه «تمام» در چهار گروه اسمی «تمام زندگی‌اش»، «تمام روز»، «تمام گل‌ها»، «تمام ماهی‌ها» و تکرار «فوت کردن» مادر به گل‌ها، ماهی‌ها و خودش مبین جهان معرفتی شاعر نسبت به مادرش است که همیشه با دعا می‌خواهد همه را از شر کفر و گناه برهاند و در انتظار منجی موعود است که مایه بخشش گناهان و نزول رحمت است. ایهام موجود در واژه «بخشش» دو معنی بخشایش و بخشیدن یا عفو و عطا را با خود حمل می‌کند. همچنین تکرار واژه «مادر» با سامد پنج بار در یک بند نشان‌دهنده محبت عمیق فروغ نسبت به مادر خویش است، درحالی‌که در بند پیش دو بار از واژه «پدر» استفاده کرده است.

جهان معرفتی	جهان نگرشی	جهان اشاری	جهان متن	۵-برادر
جهان فرضی معرفتی استعاره: ناامیدی وسیله شخصی است.	جهان باور: می‌گوید، می‌داند	حرکت مکانی از خانه به کوچه و بازار- از کوچه به میکده	توصیفی- روایی	برادرم به باغچه می‌گوید قبرستان برادرم به اغتشاش علف‌ها می‌خندد و از جنازه ماهی‌ها که زیر پوست بیمار آب به ذره‌های فاسد تبدیل می‌شوند شماره برمی‌دارد برادرم به فلسفه معتاد است برادرم شفای باغچه را در انهدام باغچه می‌داند. او مست می‌کند و مشت می‌زند به در و دیوار و سعی می‌کند که بگوید بسیار دردمند و خسته و مأیوس است او ناامیدی‌اش را مثل شناسنامه و تقویم و دستمال و فندک و خودکارش همراه خود به کوچه و بازار می‌برد و ناامیدی‌اش آن قدر کوچک است که هر شب در ازدحام میکده گم می‌شود.



در جهان زیرشمول اشاری نوعی حرکت مکانی از خانه به کوچه و از کوچه به میکرده وجود دارد، با این وضع دو بار وارد جهان اشاری جدید می‌شویم. جهان باور برادر با جمله‌هایی مشخص می‌شود که افعال «می‌گوید» و «می‌داند» را به همراه دارد. جهان زیرشمول فرضی معرفتی برادر با استعاره «باغچه قبرستان است»، ساخته می‌شود، گویا خانه پدری آنها بوی مرگ می‌دهد، چون باغچه‌اش از علف هرز پر شده و ماهی‌های حوض پشت سر هم می‌میرند. در باور فروغ، برادر دچار نوعی تضاد فلسفی شده زیرا حیات باغچه را در انهدام آن و نجات خویشتن را از ورطه ناامیدی در اعتیاد و میخوارگی می‌داند تا درد و یأس خود را در پس آن از یاد ببرد، بنابراین استعاره «ناامیدی وسیله شخصی است»، مبین جهان فرضی معرفتی برادر است که دائم یأس خود را مانند فندک و خودکارش به همراه دارد.

جهان معرفتی	جهان نگرشی	جهان اشاری	جهان متن	۶-خواهر
گاه‌گاه		یادکرد کودک خواهر: عقب‌گرد زمانی	توصیفی- روایی	و خواهرم که دوست گل‌ها بود و حرف‌های ساده قلبش را وقتی که مادر او را می‌زد به جمع مهربان و ساکت آنها می‌برد و گاه‌گاه خانواده ماهی‌ها را به آفتاب و شیرینی مهمان می‌کرد ... او خانه‌اش در آنسوی شهر است او در میان خانه مصنوعی‌اش با ماهیان قرمز مصنوعی‌اش و در پناه عشق همسر مصنوعی‌اش و زیر شاخه‌های درختان سیب مصنوعی آوازه‌های مصنوعی می‌خواند و بچه‌های طبیعی می‌سازد او هر وقت که به دیدن ما می‌آید و گوشه‌های دامنش از فقر باغچه آلوده می‌شود حمام ادکلن می‌گیرد او هر وقت که به دیدن ما می‌آید آبستن است
هر وقت: تأکید				

شاعر در ابتدای بخش شش از زمان حال وارد گذشته خواهرش شده و سادگی کودکی او را توصیف می‌کند که شکایت دعوای مادر را نزد گل‌ها می‌برد و ماهی‌ها را به آفتاب و شیرینی دعوت می‌کرد. بدین ترتیب نوعی جهان زیرشمول اشاری ایجاد می‌شود که با عقب‌گرد زمانی همراه است. در جهان باور شاعر، دوران کودکی خواهر طبیعی و موقعیت کنونی او مصنوعی است، زیرا با عشقی تصنعی به همسر و خانه و زندگی روزگار می‌گذراند و تنها عشق طبیعی‌اش فرزندانش هستند. تقابل دو واژه طبیعی و مصنوعی، خانه آنسوی شهر که در تقابل با خانه مادری اینسوی شهر است، تفاوت دوران کودکی و جوانی خواهر را نشان می‌دهد و تکرار واژه «مصنوعی» تأکید شاعر را در جهان معرفتی‌اش می‌رساند. تکرار قید مختص «هر وقت» در دو جمله مکرر «هر وقت که به دیدن ما می‌آید»، جهان معرفتی شاعر را نسبت به خواهرش نشان می‌دهد که با ادکلن سعی دارد فقر باغچه را پنهان کند. در باور فروغ خواهرش تنها به امید رویش و زایش و تولد فرزندانش زندگی می‌کند، به همین دلیل همیشه آبستن است.



جهان معرفتی	جهان نگرشی	جهان اشاری	جهان متن	۷- حیات
تکرار				حیات خانه ما تنهاست حیات خانه ما تنهاست تمام روز از پشت در صدای تکه تکه شدن می آید و منفجر شدن

بار دیگر دو جمله مکرر «حیات خانه ما تنهاست» جهان معرفتی فروغ را آشکار می کند، این بار از حیات به پشت در گریز می زند، که تمام روز صدای انفجار از آنجا شنیده می شود. تغییر مکانی از حیات به پشت در جهان زیرشمول عبارات اشاری را تغییر می دهد

جهان معرفتی	جهان نگرشی	جهان اشاری	جهان متن	۸- همسایه ها
قید مختص همه			توصیفی - روایی	همسایه های ما همه در خاک باغچه شان به جای گل خمپاره و مسلسل می کارند همسایه های ما همه بر روی حوض های کاشیشان سرپوش می گذارند و حوض های کاشی بی آنکه خود بخوانند انبارهای مخفی باروتند و بچه های کوچۀ ما کیف های مدرسه شان را از بمب های کوچک پر کرده اند. حیات خانه ما گیج است

شاعر از پشت در وارد دنیای همسایه ها می شود. تکرار قید مختص «همه» نشان دهنده عمومیت جنگ طلبی همسایه ها در جهان معرفتی شاعر است، زیرا همگی به جای گل، خمپاره و مسلسل در خاک می کارند و در حوض های شان باروت مخفی می کنند، حتی بچه های شان کیف های خود را پر از بمب کرده اند، مشاهده این حالات حیات خانه را گیج و سرگردان کرده است.

جهان معرفتی	جهان نگرشی	جهان اشاری	جهان متن	۹- من
تکرار «من فکر می کنم»	جهان باور: ترسیدن		گفتمانی	من از زمانی که قلب خود را گم کرده است می ترسم من از تصور بیهودگی این همه دست و از تجسم بیگانگی این همه صورت می ترسم من مثل دانش آموزی که درس هندسه اش را دیوانه وار دوست می دارد تنها هستم و فکر می کنم که باغچه را می شود به بیمارستان برد من فکر می کنم ... من فکر می کنم ...

				من فکر می‌کنم ... و قلب باغچه در زیر آفتاب ورم کرده است و ذهن باغچه دارد آرام آرام از خاطرات سبز تهی می‌شود
--	--	--	--	--

شاعر با تکرار «ترس»، جهان باور خود را بیان می‌کند. او از گم کردن خویشتن خویش، تصوّر بهبودگی دست‌ها و تجسم چهره بیگانه همسایه‌ها می‌ترسد و احساس می‌کند که تنها مانده است، اما تنهایی خود را نه از سر ترس بلکه به دلیل تفاوت افکار و والایی اندیشه می‌داند، به همین دلیل خود را به دانش‌آموزی که به درس مشکل هندسه علاقه دارد، تشبیه می‌کند. تکرار «جملات من فکر می‌کنم» ادامه جهان باور و معرفتی فروغ است که توّم قلب باغچه و تهی شدن ذهنش را از خاطرات سبز می‌بیند.

یافته‌ها

جهان متن و گفتمان: شعر حاوی متنی توصیفی-روایی است که با یک حرکت دوری از باغچه آغاز و به آن ختم می‌شود و در میانه روایت علاوه بر وصف شخصیت، نظر هر شخصیت راجع به باغچه بیان می‌شود. فروغ در شعر «دلّم برای باغچه می‌سوزد» سعی دارد مفاهیم موجود در مجموعه‌های «اسیر»، «عصیان»، «ایمان بیاوریم» و «تولدی دیگر» را به ترتیب در شخصیت «پدر»، «برادر»، «مادر» و «خواهر»ش تکرار کند.

۳-۴-جهان‌های زیرشمول

جهان زیرشمول عبارات اشاری: شاعر با سه نوع حرکت در زمان، مکان و شخص وارد دنیای جدید عبارات اشاری می‌شود. شاعر در طول شعر با حرکت منظم مکانی از باغچه و حیاط به داخل خانه می‌رود و پس از توصیف اعضای خانواده از پشت در حیاط وارد دنیای همسایه‌ها می‌شود و در پایان به خود و باغچه برمی‌گردد. تغییر زمان از نقطه صفر یعنی زمان حال به گذشته و دوران کودکی در توصیف باغچه و خواهر صورت می‌گیرد. تغییر شخص از زاویه دید سوم شخص به اول شخص در توصیف پدر و توصیف خود شاعر مشاهده می‌شود.

۱-۳-۴-جهان‌های زیرشمول نگرشی

جهان نگرشی آرزو: فعل انتظار کشیدن که دو بار در شعر به کار رفته، بیانگر نوعی آرزوست؛ بار اول برای حیاط به کار رفته که در انتظار بارش ابر ناشناس است و بار دوم برای مادر که در انتظار ظهور است.

جهان نگرشی باور: باور شاعر و شخصیت‌ها با افعال «باور کردن»، «فکر کردن»، «دانستن»، «خندیدن»، «ترسیدن» همچنین از خلال اعمال و رفتار آنها از طریق گزاره‌های نقش‌گستر آشکار می‌شود. گزاره «من فکر می‌کنم»، تصوّر فروغ را راجع به باغچه و بیماری و جست‌وجوی راه درمان آن نشان می‌دهد، اما همان‌طور که در اول شعر گفته، کسی به فکر گل‌ها نیست و نمی‌خواهد بیماری باغچه را باور کند.

جهان نگرشی هدف: در طول شعر گزاره‌های دال بر جهان نگرشی هدف وجود ندارد، فقدان گزاره‌های نشان‌دهنده جهان هدف، مبین کنش‌پذیری و انفعال فروغ در شعر است.

۲-۳-۴-جهان‌های زیرشمول معرفتی

جهان معرفتی طبق نظریه جهان متن ورث، با افعال دال بر احتمال و یقین، جملات شرطی و قیده‌های خاص و ایجاد ساخت‌های استعاری ایجاد می‌شود. فرخزاد علاوه بر موارد فوق از دو روش دیگر یعنی نگاشت استعاری و تکرار استفاده می‌کند. مقایسه بندهای شعر دال بر وجود نوعی تناظر یا نگاشت استعاری بین بند اول و دیگر بندهای شعر است؛ حیاط تنهای تنبلی که خمیازه می‌کشد تا ابری بیاید و حوض خالی‌اش را پر کند، تداعی گر حالات پدری است که آردش را بیخته و الکش را آویخته و دست از تلاش برداشته است. همچنین انتظار بارش ابر ناشناس در بند دوم (توصیف حیاط) می‌تواند متناظر با نزول بخششی باشد که مادر در بند چهارم (توصیف مادر) در انتظار آن است. ستاره‌های کوچک بی‌تجربه‌ای که از ارتفاع درختان به خاک می‌افتند، می‌تواند در تناظر با دعا‌های بی‌ثمر مادری باشد که برای نجات و حفظ باغچه می‌کوشد. نگاشت استعاری بین بندها سبب تشخیص استعاره تکرار شونده باغچه می‌شود که در فرایند افزایش شرح داده می‌شود.

روش دیگر استفاده از تکرار واژه و گروه اسمی و جمله برای نمایش میزان قطعیت است. واژه‌های باغچه، پدر، مادر، برادر، خواهر و ضمائر شخصی مربوط به آن و ضمیر من و گروه‌های اسمی و فعلی حیاط خانه ما، همسایه‌های ما، فوت می‌کند، فکر می‌کنم از جمله تکرارهای دال بر تأکید و قطعیت هستند.

۵-افزایش

افزایش یکی از دو فرایند معرفی شده در نظریه جهان متن ورث است که نشان می‌دهد چگونه بخش‌های مختلف یک متن برای رسیدن به پیوستگی متنی با هم ارتباط پیدا می‌کنند. با مقایسه بند دوم و سوم شعر درمی‌یابیم که در جهان باور فروغ حیاط و پدر هر دو تنها و خسته و کسل و ناامیدند و نسبت به آنچه در محیط روی می‌دهد، بی‌تفاوتند. شعر با توصیف باغچه و ترس زوال آن آغاز می‌شود و با توصیف حیاط ادامه می‌یابد. وصف باغچه و حیاط به‌منزله مقدمه‌ای بر مطالب بندهای بعدی است و شنیدن صدای سرفه از پنجره حیاط مانند تخلص قصیده مقدمه شعر را به متن اصلی پیوند می‌زند، متن اصلی ظاهراً خانواده فروغ را توصیف می‌کند، اما در واقع بینش فروغ را نسبت به تک‌تک افراد خانواده نشان می‌دهد. خواننده با خواندن متن احساس می‌کند که صدای سرفه مربوط به پدري بازنشسته است که رخوت و تنبلی بر او غالب شده و دست از کار کشیده است، پس از وصف پدر، توصیف مادر آغاز می‌شود. در باور فروغ مادر عابدی است که دچار ترس و وسواس شده از ترس نماز و دعا می‌خواند و دائم به همه چیز و همه کس حتی گل‌ها و ماهی‌ها فوت می‌کند تا از کفر و آسیب در امان باشند، برادر به باغچه که آن قدر برای فروغ و مادر عزیز است، می‌خندد و آن را قبرستان می‌خواند. او از دید فروغ او دچار نوعی تناقض فلسفی شده، زیرا باغچه را که محل رویش است، قبرستان می‌نامد، حیات باغچه را در نابودی‌اش می‌داند و ناامیدی‌اش را با نابودی خود یعنی پناه‌بردن به می و میخانه درمان می‌کند تا دردها و خستگی روحی‌اش را فراموش کند. پس از آن نوبت به خواهری می‌رسد که در کودکی دوست گل‌ها و ماهی‌ها بود و در دنیای طبیعی ساده‌کودکانه خود با آن‌ها درددل می‌کرد، اما اکنون بزرگ شده گرفتار یک زندگی مصنوعی شده و سعی دارد در سایه عشق تصنعی به همسرش فرزندان طبیعی بیاورد که خلأ عاطفی او را پر کنند، به همین دلیل خواهر همیشه باردار است. او برای پنهان کردن فقر باغچه، حمام ادکلن می‌گیرد. همسایه‌های فروغ گویا همواره خواهان جنگ و دشمنی‌اند. آنها در باغچه‌شان به جای گل خمپاره می‌کارند و همگی حتی کودکانشان دنبال نابودکردن هستند، تا جایی که حیاط خانه از رفتار آنها متعجب و گیج و سرگردان شده است. فروغ در پایان به خود بازمی‌گردد و ترس‌ها و نگرانی‌هایش را بیان می‌کند؛ از گم کردن قلب خود، تصور بیهودگی دست‌ها و تجسم بیگانگی صورت‌ها و بیان تنهایی قابل تحسین و بی‌ظنیش که آن را به دانش‌آموزی که درس هندسه را دوست دارد، مانند کرده است. از باورها و افکار خود می‌گوید که فکر می‌کند باغچه را باید به بیمارستان برد، چون قلب باغچه ورم کرده و ذهنش در حال خالی شدن از خاطرات سبز است.

مهم‌ترین سؤالی که ذهن خواننده را مشغول می‌کند، این است که مفهوم استعاره باغچه و دلیل استفاده مکرر آن در هر بند چیست. برای رمزگشایی استعاره باغچه مروری مجدد بر متن لازم است.

باغچه در باور شخصیت‌ها:

پدر: وقتی که من بمیرم دیگر چه فرق می‌کند که باغچه باشد یا باغچه نباشد.

مادر: فکر می‌کند که «باغچه» را کفر یک گیاه آلوده کرده است. مادر تمام روز دعا می‌خواند ... و فوت می‌کند به تمام گلها.

برادر: برادرم به «باغچه» می‌گوید قبرستان برادرم به اغتشاش علف‌ها می‌خندد ... برادرم به فلسفه معتاد است. برادرم شفای «باغچه» را در انهدام باغچه می‌داند.

خواهر: و خواهرم که دوست گل‌ها بود و حرف‌های ساده قلبش را وقتی که مادر او را می‌زد به جمع مهربان و ساکت آنها می‌برد ... او هر وقت که به دیدن ما می‌آید و گوشه‌های دامنش از فقر «باغچه» آلوده می‌شود، حمام ادکلن می‌گیرد

همسایه‌ها: همسایه‌های ما همه در خاک «باغچه»‌شان به جای گل، خمپاره و مسلسل می‌کارند.

من (فروغ): و فکر می‌کنم که «باغچه» را می‌شود به بیمارستان برد. من فکر می‌کنم ... و قلب «باغچه» در زیر آفتاب ورم کرده است و ذهن «باغچه» دارد آرام‌آرام از خاطرات سبز تهی می‌شود.

با توجه به نکات استعاره‌ای بین بندها می‌توان باغچه را «عاطفه» و «انسانیت» در نظر گرفت، چنانکه پدر می‌گوید: وقتی من بمیرم چه فرق می‌کند عاطفه و انسانیت باشد یا نباشد. مادر تصور می‌کند که دامان عاطفه و انسانیت به گناه آلوده شده و با دعاخواندن و فوت کردن می‌توان آن را نجات داد، برادر که دچار تضاد فلسفی و پوچ‌گرایی شده، فکر می‌کند انسانیت مرده است و نجات انسان را در فراموشی عاطفه و پشت‌پازدن به انسانیت می‌داند و خواهری که روح و عاطفه انسانی خود را در کودکی با گل‌ها قسمت می‌کرد، اکنون در زندگی مشترک تصنعی‌اش دچار فقر عاطفی شده و این حقیقت تلخ را با ظاهر آراسته و عطر و ادکلن مخفی می‌کند. همسایه‌ها به جای پرورش عاطفه به جنگ و دشمنی و بدگویی و کشتن انسانیت مشغولند، خمپاره نگاه شامت‌بار و رگبار حرف‌های پشت سر، فروغ را آزرده خاطر کرده است. شاعر که می‌بیند عاطفه و انسانیت دچار رکود و رخوت، ترس و وسواس، عصیان علیه خود، فقر عاطفی و دشمنی با دیگران شده، به فکر درمان آن است تا خاطرات سبز دوران سلامت خود را به خاطر آورد، بدین ترتیب فروغ در شعر «دل‌م برای باغچه می‌سوزد» سعی دارد مفاهیم موجود در مجموعه‌های «اسیر»، «عصیان»، «ایمان بیاوریم» و «تولد دیگری» را به ترتیب در شخصیت‌های «پدر»، «برادر»، «مادر» و «خواهر» تکرار کند.

۶- نتیجه‌گیری

تازگی پژوهش حاضر در این است که علاوه بر توصیف جهان‌های سه‌گانه و تحلیل باور شخصیت‌ها و مشارکان خوانش، فرایند افزایش و انطباق ورث را مطرح و از فرایند افزایش در توضیح پیوستگی بندهای شعر و رمزگشایی استعاره شناختی باغچه استفاده می‌کند. در پاسخ به سؤال اول باید گفت که شاعر در جهان متن، بیشتر از متن روایی-توصیفی در شعر استفاده کرده است. کاربرد متن روایی به دلیل فرم روایی شعر آزاد است که نیما، اخوان، شاملو و سپهری هم آن را به کار گرفته‌اند. در پاسخ به سؤال دوم باید گفت اگرچه سه جهان زیرشمول اشاری (با تغییر عناصر زمان، مکان و شخص)، نگرشی (با وجود گزاره‌های نقش‌گستر) و معرفتی در شعر «دلم برای باغچه می‌سوزد» مشاهده می‌شود، اما جهان زیرشمول معرفتی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. جهان زیرشمول معرفتی از طریق جملات شرطی، قیدهای تأکید و استعاره‌های شناختی در شعر قابل بازیابی است. فروغ فرخزاد علاوه بر روش‌های فوق از نگاشت‌های استعاری بین بندهای شعر و تکرار مبتنی بر قطعیت استفاده کرده است. سؤال آخر تحقیق این بود که فرایند افزایش چگونه می‌تواند مفهوم استعاره باغچه را در بندهای مرتبط شعر مشخص کند؟ در پاسخ باید گفت که از طریق مقایسه نگاشت‌های استعاری بین بندها و جملات دارای استعاره باغچه می‌توان دریافت که باغچه، عاطفه و انسانیت است که با موانعی مانند نسیان، ترس، عصیان، فقر عاطفی و دشمنی با دیگران مواجه و در نتیجه بیمار شده است و شاعر به فکر نجات و درمان آن است.

منابع و مآخذ

- استاکول، پیتر. (۱۳۹۳). *درآمدی بر شعرشناسی شناختی*. ترجمه لیلا صادقی. چاپ اول. تهران: مروارید. (چاپ به زبان اصلی ۱۹۹۳).
- صادقی اصفهانی، لیلا. (۱۳۸۹). بررسی عناصر جهان متن بر اساس رویکرد بوپتیقای شناختی در یوزپلنگانی که با من دویده‌اند اثر بیژن نجدی. *نقد ادبی*. س ۲. ش ۱۰. تابستان ۱۳۸۹. صص ۱۷۴-۱۴۳.
- بارسلونا، آنتونیو. (۱۳۹۰). *استعاره و مجاز با رویکردی شناختی*. ترجمه فرزانه سجودی، لیلا صادقی و تینا امراللهی. تهران: نقش جهان.
- فرخزاد، فروغ. (۱۳۷۹). *دیوان اشعار فروغ فرخزاد با مقدمه بهروز جلالی*. چاپ هفتم. تهران: مروارید.
- گلفام، ارسلان؛ بلقیس روشن؛ فرزانه شیررضا. (۱۳۹۳): «کاربرد نظریه جهان متن در شناسایی عناصر سازنده متن روایی داستان شازده احتجاب؛ بر مبنای رویکرد شعرشناسی شناختی». *جستارهای زبانی*. د ۵، ش ۵ (پیاپی ۲۱). بهمن و اسفند ۱۳۹۳، صص ۲۰۶-۱۸۳.
- Beaugrande, Robert & Dressler, Alain Wolfgang. (1981). *An Introduction to Text Linguistics*. London: Longman. Digitally reformatted. 2002 (Last modified: 8 September 2014).
- Buhler, K. (1982). *The Deictic field of language and deictic worlds*, in R. J. Javella and W. Klain (eds) *speech, Place and Action: Studies in Deixis and Related Topics* (translated from Sprachtheorie, (1943), chichester: John Wiley, PP.9.30.
- Fauconnier, G. (1994). *Mental space [Original in French as Escape Mentaux, 1984, Paris: Editions de Minuite]*, Cambridge: Cambridge University Press
- Gavins, Joanna and Gerard Steen. (2003). *Cognitive Poetics in Practice*. London: Routledge.
- Gavins, Joanna. (2007). *Text World Theory: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Hidalgo, Laura. (2000). *Estudios Ingleses de la Universidad Complutense*. Universidad Autónoma de Madrid. lhidalgo@uam.es PP.321-6
- Freeman, M. (2011). *Poetry and The Scope of Metaphor: Toward a Cognitive theory of Literature*. New York and London: Routledge.
- Kohn, Liberty (2011). *California Linguistic Notes*. Volume XXXVI No. 1. Spring.
- Lakoff, George. (1987) *Women, Fire and Dangerous: What Categories Reveal about the Mind*, Chicago, IL. University of Chicago Press.
- Pollard, Denis (2002). "Paul Werth (1999). Text Worlds: Representing conceptual space in discourse". in *Journal of Literary Semantics*. (31). Pp.96-97
- Stockwell, Peter. (2002). *Cognitive Poetics: An Introduction*. New York: Routledge.
- Van Dijk, Teun A. and Kintsch, Walter (1983). *Strategies of Discourse Comprehension*. New York: Academic Press.
- Werth, Paul. (1999). *Text Worlds: Representing Conceptual Space in Discourse*. London: Longman.

Abstract

Epistemic sub-worlds' Paul Werth in Farrokhzad's Poem

The main purpose of current study, which is conducted through a descriptive-analytic method, is representation of belief and epistemic world in Farrokhzad's *Delam baraye Baghche Misuzad* (I feel with pity for flower-bed) Based on Paul Werth's Text world theory. It consider text in three dimensions; Text world, Discourse world, Sub-worlds. Author and reader interact in Text world through of text. Discourse world deal with situation and sub-worlds determine producer's belief and approaches. Sub-worlds is divided to Diectic sub-world, Attitudinal sub-world and Epistemic sub-world. current study want to answer to these questions: Farrokhzad in this poem use of which kind of text, she has used of which Sub- worlds, how does she coherent stanzas in narrative form. Achievements demonstrate usage of descriptive- narrative text. she use of Idia world for expression of hers and characters' attitude. Epistemic sub-world is outstanding in poem's forugh. In addition She use of adverbs in Epistemic sub-world, conditional sentences, cognitive metaphores is created by two new ways: mapping between stanzas and reppitation. Incrementation cause reveal concept of main metaphore in poem.

Key words:

Werth, Farrokhzad, Text world, Discourse world, Epistemic sub-worlds , incrementation